

## وقتی بردگان پیروزی مظلومیت را جشن می گیرند ! نمیدانم تو در آن میانه کدامی ؟

قسمت سوم :



تحلیل و نوشته از محمد امین فروتن

من به عنوان رئیس جمهور منتخب شما که شما مرا به این مأموریت مهم برگزیده اید شما را به هردین و آئینی که می اندیشید و با هر نژاد و قبیله ای که تعلق دارید به وحدت و برادری انسانی و ملی فرا می خوانم که شورا و مشورت را پایه و اساس دموکراسی و تنها راه تحقق منافع ملی می شمارم

« احمد مرسی رئیس جمهور منتخب ملت مصر »

وقتی دوّمین قسمت این نوشتار به نشر رسید با سیلی از واکنش های دوستان و عزیزان مواجه شدم البته باید گفت که برخی از نقطه نظرات عزیزان میتوانستند با دریافت فرصت برای دویا سه مرتبه مرور کردن برنوشتارم در زمینه نقطه نظرات مورد نظر آن دوستان نیز حل مطلب گردد که من نیز به آنده پیشنهاد ات عزیزان نخواهم پرداخت مگر خوشبینانه ترین و در عین حال منطقی ترین آنها عکس العمل های بودند که دوستان خواننده مقاله طوری برداشت فرموده بودند که گویا به باور من گفتمان اقتدارگرا منحصر به کانون مذهب اهل سنت و الجماعت است و مذاهب دیگری بویژه مذهب اهل تشیع با قرئت امام زمانی از آن میرا اند ! که بدون شک شاید در بررسی های تاریخی و سیاسی نهضت بزرگ آزادی خواهانه اخوان المسلمین در مصر که حزب آزادی و عدالت یکی از میراث داران و جانشینان فکری و عقیدتی اخوان المسلمین بشمار می آید تأثیر گذار بوده باشد . ! مگر به کمال احترام و ادب باید گفت که مبحثی که اکنون و در همین زمینه ما براه انداخته ایم بیشتر از ریشه های فکری و نگاه به هستی و جهان مایه میگیرد که اصولاً با مکانیزمی بنام « **اجتهاد جمعی و دینامیک** » انسان این جانشین خداوند در زمین را در تمامی ادوار تاریخ و قلمروهای جغرافیای رهنمائی میکند ، البته باید خاطر نشان ساخت که پتانسیل هسته ی اصلی این مکانیزم که " **اجتهاد**

**جمعی** " نامیده میشود همانا «عقل متعهد و هدفمند» تشکیل میدهد . و باید مراقب بود که حریم این مکانیزم یا « **اجتهاد جمعی** » از هر نوع خرافات و ذهنی گرائی ها در آمان نگاه داشته شود با مسؤلیت و تعهد باید گفت که برای دریافتن درست و دقیق یا درک تحقیقاتی اندیشه جنبش های سیاسی اسلام در عصر کنونی را در سرچشمه های نخستین و علل و اسباب و جریانات اولیه در تاریخ باید جستجو نمود ، که کشورهای خاورمیانه با لخصوص مصر در این زمینه از تقدم و پیشرفت برخوردار است ، زیرا قبل از آنکه محمد عبده ، رشید رضا و حسن البنا و نهضت اخوان المسلمین در مصر عرض وجود کنند بسیاری از حرکت ها و جنبش های آزادی بخش دینی در نیم قاره هند و شخصیت های نامداری چون علامه سید جمال الدین افغانی به عنوان یک مصلح بزرگ برای نجات کشورهای از شرّ عقب افتاده گی و استعمار بر اساس یک قرئت انسان مدار و حرمت به مخالف و حتی معاند آغازیده بودند ، البته اینجا هدف از بررسی تاریخی و عملی نهضت های نیم قاره هند بالخصوص عملکرد ها و اهداف علامه سید جمال الدین افغانی نیست بلکه اثبات این واقعیت است که از همان دوران بیداری ضد استعماری - ضد استبدادی و جنبش اعتقادی کشورهای اسلامی دو گفتمان و قرئت نسبت به هستی ، انسان و تاریخ در حوزه باور های دینی و اعتقادی وجود داشت ، باید اذعان کرد که ریشه های این هر دو بینیش و دونگاه به هستی و تاریخ فراتر از هر نوع زدوبندها و رشته های تنگ نظرانه مذهبی تنها بر اساس توحید و عقلانیت متعهد که اساس آن حرمت به انسان است ، سنجیده میشوند. باید یاد آوری نمود که سلسله این نگرش تنها در حوزه پیروی از مذاهب مختلفه خلاصه نه میشود بلکه تأثیر آن بر تمامی اندیشه های چپ و راست اعم از سکولار و مذهبی به مشاهده میرسد . و یکی از برجسته ترین توجهاتی که در این گفتمان موجود است همان نگاه انسانی و بالاتر از هر نوع تمیزات و تبییضات نژادی ، مذهبی ، قومی و قبیلوی میباشد که روی همین دلیل باید گفت این نگاه تنها در حوزه **مذهب اهل سنت** و یاهم پیروان **مذهب تشیع** خلاصه نه میشود بلکه مکتب هاوایدیولوژیهای دیگری را نیز شامل میباشد که هواداران و پیروان آن در راستای خدمت به انسان و جامعه مشغول فعالیت اند . اکنون با این امید که قناعت خواننده گان ارجمند این نوشتارم تا حدودی مرفوع شده باشد ، اصل مبحث را آغاز میکنیم . ازاینکه در حال حاضر پیروزی حزب آزادی و عدالت تحت رهبری محمد مُرسی را که ریشه در قدیمی ترین نهضت آزادی بخش مذهبی اخوان المسلمین مصر دارد ، به جرأت می توان گفت که انگاره تکامل و جهان بینی اصلی بنیانگذاران نهضت آزادی بخش مذهبی اخوان المسلمین مصر بر اصول و موازین توحیدی که خود بر نوع بینیش فلسفی دلالت میکند استوار است ، روی همین جهت علامه سید جمال الدین افغانی فیلسوفی که بیشترین تأثیر بر اندیشه های این نهضت دینی داشت توانیست مستقیماً با فلا سفه و دانشمندان اروپا ئی آشنائی حاصل کند . چنانچه همه میدانند قرن نوزدهم میلادی اروپا جولانگه افکار و اندیشه های فلسفی ماتریالیستی و سا ئر مکتب های فلسفی به حساب می آمد و پیروان لامارک (۱۸۲۹-۱۷۴۴) ، داروین (۱۸۸۲-۱۸۰۹) و توماس هنری هاکسلی (۱۸۹۵-۱۸۲۵) مجال یافته بودند که در برابر این نظریات فلسفی ، علامه سید جمال

الدین افغان با وضاحت بیان میداشت که : من خودم شخصا معتقدم تمام گونه های جانوری و گیاهی امروزی - که انسان هم جز آنهاست- از تکامل موجودات ساده تر بوجود آمده اند. این نظریه که بر مبنای فلسفه توحید استوار بود نه تنها در اروپا بلکه در آسیا و برخی کشورهای افریقائی نیز با سرعت بینظیری هوادارانی پیدا کرد. بزرگترین تضاد و پارادوکسی که میان حیات اجتماعی و مناسبات سیاسی انسان ها در جوامع بشری از یکسو و از سویی نگاه توحیدی به مسأله چگونگی خلقت هستی بویژه انسان بحیث حلقهء مسؤل و هدفمند در کائنات بوجود آمد آنگاه بود که پس از رحلت پیامبر اسلام ابعاد زندگی فلسفی سیاسی و تاریخی که مفاهیم و امور مهم حیات بشری مانند " مسأله ملکیت " روابط بین الملل ، بویژه ساختار طبقاتی و اقتصادی را شامل می شدند زیر سایه شوم افکار و اندیشه های فلاسفه یونان مانند ارسطو ، سقراط ، افلاطون و غیره که بالنوبه تیوریسن هاو اندیشه پردازان نظام های طبقاتی محسوب می شدند قرار گرفت . این فلاسفه چنان بر معرفت حاکم بر جامعه تأثیر انداخت و در تیوریهایی فلسفی و تاریخی شان حتی ریشه های فلسفی مبنی بر شناخت فلسفی از خدا و انسان را نیز به لرزه آوردند و در تیوری های سیاسی شان به شکل خاص حکومت و دولتی را پیشنهاد و توجیه کردند که فقر و زندگی طبقاتی اقتصادی را از جانب خدا و یک امر فطری وانمود ساختند . پیچیده گی های جامعه بشری ، حق گشی ها ، ستم ها ، نابرابری ها به بند کشیدن ها در جمهوری اریستوکراتیک افلاطونی و سیاست ارسطویی ، بزرگترین و مشروع ترین قرئت و گفتمان حاکم بر سرنوشت سرتاسر تاریخ و جغرافیای کشور های اسلامی به حساب آمد و با انکار از برابری انسانی و با این اعتقاد و باور که گویا انسان ها مساوی خلق نه شده و برابر نیست و هکذا غلامان و برده گان فطرتاً آزاد خلق نه گردیده بلکه در طبیعت غلام خلق شده اند و دموکراسی را رژیم دانستند که بزرگترین عامل فساد، انحطاط و آشفتنگی است و تمامی انواعی از جمله دموکراسی و مردم سالاری متعهد را نقد و مذبح می شمارد و برای جوامع بشری نوعی از نظام ویژه ای اریستوکراتیک را پیشنهاد مینماید که میتوان گفت بزرگترین وجوه اشتراک و همسنخی مبنایی فلسفه سیاسی میان ارسطو و افلاطون نیز در نفی « دموکراسی و مردم سالاری حتی متعهد و پذیرش حکومت اریستوکراسی » باید جستجو کرد . سخت شگفت انگیز و درعین حال درد ناک است چنانچه در بالا متذکر گردیدیم که آثار و رسوبات بینیش و جهان بینی فلاسفه یونان که توجیه کننده اشرافیت و نظام سرمایه داری بود بنام حکمت اسلامی جزئی از نصاب تعلیمی بزرگترین مراکز علمی و دینی در کشور های اسلامی شامل گردید . که بالاخره تمامی عناصر و مؤلفه های چنین سازش نا متجانس و پراکنده میان بینیش فلسفی ارسطویی و مناسبات اجتماعی میان انسانها و شهروندان در جامعه یک گفتمان بنیاد گرا و خشونت پرورای را هیچگاه نتوانیست وجه مذهبی خویش را از قرون گذشته به دوران مدرن منتقل سازد ، بوجود آورد . این چنین توجهات و شناخت های بود که گفتمان خشونت زای بنیاد گرا را در موشگافی و تحلیل و شناساندن اسلام در هیکل یک گفتمان ونوعی از برداشت از اسلام یاری رسانده است . چنانچه قبلاً نیز در یک مبحث جداگانه ای نوشتیم که ریشه های اصلی این گفتمان متحجرانه را میتوان

در تاریخ جهان اسلام با خارجی گری ، اشعری گری و دیگر مکاتب سنگواره ای تبارشناسی کرد یعنی درست در سنتی که عقل و عقلانیت به درد ناکترین نوع اش تحقیر میشوند و برای عقل و عقلانیت در حوزه دین شناسی اعتباری قائل نبوده که اکنون هم نیست ، با تأسف فراوان باید گفت که این گفتمان نه فقط بر اصول « **اجتهاد پویا و جمعی** » که بنیانگذاران و نخستین بانیان حزب آزادی و عدالت که ریشه در قدیمی ترین جنبش در خاورمیان " اخوان المسلمین مصر " دارد برآن باور داشتند و دارند ، اندکترین ارزشی قائل نبوده و نیست و همچون اسلام انتقادی - رادیکال به نقد شالوده شکنانه و بازسازی Reconstruction معرفت دینی نظر ندارد ، باید با صراحت گفت که پیروان و هواداران این قرئت متحجرانه همچون « خمر های سرخ مارکسیستی » که قصد داشتند تا اندیشه و نظریه خویش را با تبعید های دسته جمعی ، سرکوب و قتل عام ها در کامبوج تحقق ببخشند آنها را باید «خمرهای سبز اسلام!» نامید . که به تکلیفی که آنرا رسالت دینی و مذهبی می خوانند عمل میکنند و با هر قیمت و هر شیوه ای که باشد حتی استفاده از زور و سرکوب ارزشها ی مورد نظر شانرا که « شریعت ناب محمدی » می خوانند در جامعه حاکم گردانند . خلاصه اینکه چنین نظریات سازواره و تناقضی در طول تاریخ محصول تفکر اشراف گرایانه یا اریستوکراتیک باستانی و نظریه فیلسوف -شاهنشاهیت افلاطونی گرفته تا نظریه های جدید التأسيس مسخ شده سلفی گری ! همگی به دسته ای تعلق دارند که نگاه ارسطوی به هستی و حیات انسان دارد . چنانچه به وضوح میبینیم که اگر مفاهیم و مؤلفه های بنام آزادی ، عدالت و دموکراسی یا مردم سالاری برای حزب آزادی و عدالت که ریشه در قدیمی ترین نهضت خاورمیانه یعنی اخوان المسلمین دارد یک ارزش و زیربنای فکری یک جامعه و تمدن تلقی میشود ، همین مؤلفه های آزادی و عدالت برای آنانیکه به هستی و تاریخ نگاه ایستا و متوقف شده دارند ، آزادی و عدالت را یک امر فوق انسانی و قدسی می شمارند . در اینجا قبل از همه لازم است نظر برخی از منتقدان اخوان المسلمین مصر در دهه هشتاد که نهضت بزرگ اخوان المسلمین مصر دُچار بحرانات و دگرگونی های تشکیلاتی گردید و از ساقه آن تحولات براهتر نهضت های آزادی بخش مذهبی تأثیر عمیق فکری فروانی بر جا گذاشت . از آنجمله میتوان به بزرگترین انشعاب برهبریی دکتور ایمن الظواهری یک از برجسته گان اخوان المسلمین مصر اشاره کرد که در دهه هشتاد باجدائی از بدنه اخوان المسلمین مصر در سازمان اسلام گرای سیاسی « جهاد اسلامی مصر » برهبریی شیخ نابینای بنام عمر عبدالرحمن که به اتهام انجام عملیات تروریستی در زندانی در نیویورک به سر میبرد . اخوان المسلمین به سبب دیدگاههای سیاسی افرادی چون ایمن الظواهری نیز مورد انتقاد قرار گرفته اند زیرا به باور این رهبران که بارها گفته اند که حرکتشان یک نهضت سلفی است، نه فلسفی! همین امر سبب شده بود که از يك سو کمتر به اعماق مسائل فکری فرو روند و از سوی دیگر پیوند خود را با روشنفکران و تحصیل کرده ها به حداقل برسانند از سوی دیگر تعصب این رهبران اخوان المسلمین مصر به نصوص شریعت چنان بود که کمترین اجتهادی را بر نمی نافتند ، همچنین نظرشان نسبت به غرب و تمدن و تجدد و مقتضیات عصر و پاسخ آنان به مسائل جاری تا حدودی دچار

آشفته‌گی بود. بدین سبب موفق نشدند نظریه‌های روشن درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی و علمی مطابق با دعوت خود ارائه کنند در حالی که در طول عمر اخوان المسلمین مصر، عالمان و نویسندگان و متفکران نو اندیشی زیادی پرورش یافته، و کتابها و مقالات بسیار در دفاع از عقاید و حقانیت اندیشه خود نگاشته‌بودند. سر انجام جناحی که بر اجتهاد در دین باور نداشتند و یک پزشک معروف ایمن الظواهری که در یکی از نواحی قاهره بنام Maadi که منطقه سنتی نفوذ سازمان آزادی بخش اخوان المسلمین مصر نامیده میشد به دنیا آمده بود آن کتله را رهبری میکرد از بدنه اخوان المسلمین مصر جدا شدند و به سازمان جهاد اسلامی مصر پیوستند.

گفته میشود که الظواهری در سال ۱۹۹۰ پس از بازگشت از افغانستان در مصر کتاب «اخوان المسلمین در ۶۰ سالگی»؛ دستاورد تلخ را منتشر کرد. وی در این کتاب اخوان المسلمین را محکوم کرده و به توجیه جهاد می‌پردازد. الظواهری در این کتاب با عباراتی روشن و واضح چنین نوشته است:

«اخوان در مورد اصل تسلیم در قبال خدا سازش کرده و از اصول جاهلی دموکراسی تبعیت نموده و جهاد را ترک کرده‌اند.»

ادامه دارد ...

2012/07/15